

قدرت رو به افزایش تبهکاران ثروتمند

سالانه ۷ میلیارد دلار از طریق قاچاق انسان به جیب باندهای

تبهکاری سرازیر می شود

در اروپای شرقی، عده ای سودجود، به طور قاچاق دختران را از طریق کشورهای منطقه بالکان به کشورهای دیگر جهان انتقال می دهند و آنان را به عنوان بردگان جنسی به فروش می رسانند. روس ها از طریق جزایر کوچکی در اقیانوس آرام که در آنها صدها بانک وجود دارد اما از چیزهایی مثل جاده در آنها اثری به چشم نمی خورد، پول های غیرقانونی خویش را تطهیر می کنند. سلاطین مواد مخدر کلمبیا به چنان ثروت های هنگفتی دست می یابند که به کمک آن می توانند یک زیردریایی ساخت شوروی را برای انتقال کواکبین به ایالات متحده آمریکا بخرند.

طی دهه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جرایم و جنایات بین المللی - که دولت ها تازه به فکر مقابله با آن افتاده اند - به شدت افزایش یافته است. با وجود این، بدیهی است که جهانی شدن جرم و جنایت از پیامدهای منطقی زوال کمونیسم است.

کاپیتالیسم و کمونیسم، ایدئولوژی هایی که به عنوان قید و بندهای فکری آمریکایی ها و شوروی ها مورد استفاده قرار گرفت، به آنان امکان داد تا استفاده از عوامل نامطلوب برای پیشبرد جنگ سرد خود را توجیه کنند. هنگامی که این اتحادها از هم پاشید، عوامل مزبور برای حفظ یا گسترش مواضع خود به فکر یافتن راه های دیگر افتادند. بدل شدن اعضای سرشناس حزب کمونیست به گانگسترها و پول شویندگانی در جمهوری های شوروی سابق و منطقه بالکان از جمله بارزترین نمونه های این دگرگونی به شمار می روند.

آنگولا نیز نمونه دیگری است. جنگ داخلی آنگولا به عنوان تلاشی برای روی کار آوردن

یک حکومت کمونیستی یا دموکراتیک آغاز شد، اما همچنان ادامه دارد و این در حالی است که هزینه های آن توسط همان نفت و الماس هایی تأمین می شود که زمانی ابرقدرت ها را شیفته خود ساخته بود. (طبق یک گزارش سازمان ملل، الماس های مزبور از طریق شبکه ای که توسط یک مترجم ارتش شوروی سابق رهبری می شود، به خارج از آفریقا قاچاق می گردد.)

عامل دیگری که در گسترش جرایم و جنایات بین المللی مؤثر بود نه به دست نشانندگان، بلکه

بعضی از سازمان های مافیایی

چنان ثروتمند و صاحب نفوذ

شده اند که می توانند یک

زیردریایی را برای انتقال

کالای قاچاق نقداً بخرند!

به گردانندگان اصلی مربوط می شد. در اتحاد شوروی، با رو به ضعف نهادن سلطه و کنترل حزب کمونیست، خود مقام ها در صدد دستیابی به منابع تازه ثروت و قدرت برآمدند. گفتنی است ضعف کنترل حزب کمونیست باعث شد خط موجود میان مقام های مسئول و کسانی که خارج از چهارچوب قانون عمل می کردند، تار شود. چنین چیزی به هیچ وجه در تاریخ تازگی ندارد، اما در شوروی برخورداران از یک زرادخانه عظیم نظامی، تازگی داشت. طی دهه گذشته، بخش اعظم درگیری آمریکا با بلوک شوروی سابق همانا تلاش برای جلوگیری از انتقال

تجهیزات نظامی و سلاح های انهدام جمعی - و یا دانش فنی آنها - به رژیم های ناسازگار، تروریست ها یا شبکه های تبهکاری بوده است. پایان جنگ سرد افزایش ناگهانی در رشد اقتصاد و مالیه بین المللی نیز پدید آورد. ولی حرکت کشورهای ثروتمند به سوی یک اقتصاد جهانی جدید و بازتر - از طریق رشد ارتباطات و کاهش موانع مالی و تجاری - نیز یک کازینو یا استراحت گاه جهانی به وجود آورد که در آن پول می توانست به سهولت و به سرعت رد و بدل گردد. اگر بتوان گفت که این فروپاشی دیوار برلین بود که جا به جایی نسبتاً نامحدود مردم را موجب شد، می توان گفت که رشد این کازینو بود که جنایتکاران را قادر کرد مال و ثروت همواره در حال افزایش خویش را پنهان و جا به جا کنند.

امروزه قدرت تبهکاران بسیار ثروتمند برای غلبه بر کشورهای ضعیف، یکی از چالش های واقعی موجود پیش روی دولت بوش به شمار می رود. در گزارشی که از سوی شورای اطلاعات ملی (نهادی متشکل از مقام های اطلاعاتی ارشد که با سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، همکاری دارند) و کارشناسان خارجی تهیه شده است قدرت این تبهکاران در ردیف خطرهای تازه ای جای گرفته است که امنیت آمریکا را تهدید می کند. البته جنایات سازمان یافته سنتی از قبل وجود داشت منتها اکنون گسترش بیشتری پیدا کرده است.

استیفن هندلمن، نویسنده کتاب "رفیق جنایتکار: مافیای جدید روسیه" (چاپ ۱۹۹۵)، انتشارات دانشگاه ییل، می گوید وقتی که اتحاد شوروی فروپاشید طومار بخش اعظم نهادهای آن نیز در هم پیچیده شد. به گفته او، گروه های

و جنایتکاران را مجازات و کنترل کنند. سازمان ملل توافقنامه‌هایی علیه جرایم و جنایات جدید منعقد ساخته است. یک نیروی ضربت سازمان عمران و همکاری‌های اقتصادی همه ساله فهرستی از پول شویندگان انتشار می‌دهد و اتحادیه اروپا بر آن است تا جرم قاچاق انسان را تعریف کرده و منابع لازم برای مقابله با جنایتکارانی که همه ساله حدود پانصد هزار نفر انسان را قاچاق می‌کنند، فراهم آورد.

"تامس بودستورم"، وزیر دادگستری سوئد، که در نیمه نخست سال جاری رهبری اتحادیه اروپا را برعهده داشت، بیش از هر چیز نگران ده‌ها هزار زن روسپی‌بی است که عمدتاً از کشورهای فقیر مشرق زمین به اروپا قاچاق می‌شوند. در ساریوو، بودستورم به زنی برخورد کرده بود که می‌گفت تا آن زمان هجده بار به "فروش" رسیده است.

بودستورم گفت: "فکر می‌کنم همه ما از شنیدن این که برده‌داری عملاً در اروپا رواج دارد در شگفت شدیم. بوسنی به تازگی درگیر جنگ بوده است و لذا امکان آن را ندارد که کنترلی در این زمینه معمول دارد. ولی درباره اروپا چه می‌توان گفت؟ در سوئد؟ در هلند؟ آنان انسان‌ها را می‌فروشند. در پاسخ به این سؤال که چه تعداد انسان و توسط چه کسانی قاچاق می‌شوند، بودستورم گفت که حقیقت امر هنوز کاملاً روشن نشده است.

منبع: نیویورک تایمز ۲۶ - اوت ۲۰۰۱



دقیق‌تری انجام می‌دهد ولی تاکنون تلاش برای پیدا کردن منشاء دارایی‌های میلوشوویچ تقریباً امکان‌ناپذیر بوده است. هندلمن معتقد است که اگر قبرس درهای خود را به روی این پول‌ها ببندد، روس‌ها به جاهای دیگری چون وانواتو، لندن، یا نیویورک روی خواهند آورد.

گزارش "فرایندهای جهانی ۲۰۱۵" که در آن درباره قدرت تبهکاران ثروتمند هشدار داده شده است، در خصوص میزان این اقتصاد نامشروع می‌گوید: "قاچاق تریاک همچنان در مرتبه اول قرار دارد و درآمد سالانه حاصل از آن بین یکصد میلیارد تا سیصد میلیارد دلار برآورد می‌شود. به عنوان مقایسه می‌توان گفت درآمد ناشی از سرقت اتومبیل در آمریکا و اروپا چیزی حدود نه میلیارد دلار برآورد می‌شود و طبق همین گزارش درآمد ناشی از قاچاق به سرعت در حال افزایش انسان به هفت میلیارد دلار می‌رسد. "مرگ یکپارچگی عمومی" مستقر در واشنگتن برآورد می‌کند که یک سوم سیگارهای صادراتی در بازار سیاه به فروش می‌رسد.

هزینه‌های کمتر محسوس دیگری نیز وجود دارد. گزارش ۲۰۱۵ برآورد می‌کند که هزینه سالانه فساد به پانصد میلیارد دلار (یک درصد اقتصاد جهانی) می‌رسد که به صورت رشد کندتر، سرمایه‌گذاری خارجی کمتر و منافع و بازدهی‌های کمتر جلوه‌گر می‌شود.

در این صحنه پر از ابهام، سیاستمداران می‌کوشند جرایم و جنایات را مشخص سازند

تبهکاری که در واپسین روزهای حیات نظام کمونیستی پدیدار گشته بودند جاهایی را که دولت‌ها رها کرده بود، گرفتند. او می‌افزاید این مافیای درست در سال ۱۹۹۱ خلق نشد بلکه از قبل وجود داشته و در ارتباط تنگاتنگ با مقام‌های دولت بوده است.

به دنبال فروپاشی دیوار برلین، شخصیت‌های سایه در شرق و غرب در راستای برقراری ارتباط با همدیگر، درنگ را جایز ندانستند. اعضای مافیاهای قدیمی ایتالیا و تازه تأسیس روسیه مرتباً در شهرهایی چون پراگ، بوداپست، وین و برلین دیدار می‌کردند. پلیس از قضیه باخبر بود ولی در واقع کاری از دستش بر نمی‌آمد. یک تصویر منتشر شده در اوایل دهه ۱۹۹۰ گویای این واقعیت بود. این تصویر مأموران ضعیف پلیس را نشان می‌داد که با اتومبیل‌های درب و داغان ساخت اروپای شرقی مرسدس‌های شیک مورد علاقه تازه به دوران رسیده‌ها را تعقیب می‌کردند.

به گفته هندلمن، این گروه‌های تبهکار در تشکیلات دولتی محلی، منطقه‌ای و سپس مرکزی نفوذ کردند. در عین حال، غرب به امید درآمدن جوامع کمونیستی به صورت دموکراسی‌های مبتنی بر بازار آزاد و نیز به امید سرمایه‌گذاری ثروتمندان جدید در کشورهای خودشان، به‌ارایه کمک‌های خود ادامه می‌داد. ولی برعکس، روشنفکران و اندیشمندان قدیمی تضعیف گردیده و مستعد اخذ رشوه شده بودند. طبقه متوسط جدید و ثروتمندان کلان به منظور دوری‌گزیدن از بانک‌های نامطلوب و مالیات‌های ناممکن، پول‌های خویش را به خارج منتقل ساختند.

هندلمن گفت: "ما گمان می‌کردیم مزایای حاصل از پول‌هایی که در اختیارشان قرار می‌دهیم سرانجام طبقات پایین‌تر را نیز شامل خواهد شد، ولی در عمل دیدیم که این پول‌ها از خارج سر درآورد."

ردپای این پول‌ها را نمی‌توان گرفت. به طور مثال، قبرس به جایگاه مناسبی برای نگهداری پول‌های روس‌ها و رژیم اسلوبودان میلوشوویچ یوگسلاوی - که اخیراً در دادگاه بین‌المللی لاهه محکوم شد - تبدیل گردیده است. در حال حاضر، دولت این جزیره در باره سرچشمه‌های پول‌هایی که در بانک‌های متعدد آن به امانت سپرده شده است، بررسی‌های